

# فقط از بچه پولدارها سرقت می‌کردم

عکس تزیینی است



به همراه دوستانش باند سرقت خودرو را تشکیل داد، پنج سال در تهران و چند شهرستان مرتکب سرقت سرپالی خودرو شدند. شیوه و شگرد خاص خود را داشتند تا بتوانند خودروهای سرقتی

امیرعلی  
حقیقت طلب  
تپش

را به بالاترین قیمت بفروشند. سرکرده باند، خودروهای تصادفی و چپی را شناسایی و خریداری می‌کرد و پس از آن به دنبال سرقت خودرو همانند خودروی تصادفی می‌رفتند. او با همکاری چند صافکار، مکانیک و جاعل ارکان خودرو را عوض کرده و خودروی سرقتی را با مشخصات خودروی تصادفی به راحتی در بازار می‌فروختند. اعضای این باند بالاخره از سوی پلیس آگاهی تهران دستگیر شدند. در ادامه گفت‌وگو با سرکرده این باند را می‌خوانید.

## خودت را معرفی کن؟

سعید، ۳۸ ساله.

## شغل چیست؟

آهنگرو و اسکلت ساز ساختمان هستم.

## چقدر درس خواندی؟

لیسانس دارم.

## معتادی؟

شش سال است که پاک هستم. چند سال قبل دو سال حبس و ۲۰ ماه هم شیشه کشیدم اما یک روز تصمیم گرفتم ترک کنم، اراده‌ام در این راه قوی بود و شش سال است پاک هستم.

## سابقه کیفری داری؟

بله. سه بار به اتهام سرقت خودرو دستگیر و زندانی شدم. برای اولین بار سال ۹۱ شروع به سرقت کردم و چند ماه بعد به خاطر سرقت چهار خودرو شناسایی و دستگیر شدم.

## متاهلی؟

بله، یک فرزند ۱۱ ماهه دارم.

**شغل و تحصیلاتت خوب بود، چه شد به سمت خلاف رفتی؟**  
وقتی با همسر اولم ازدواج کردم، اعتیاد را بوسیدم و کنار گذاشتم اما یکی از دوستان قدیمی‌ام بعد از ۱۲ سال سراغم آمد. برای دیدن مادرش به خانه‌شان رفتیم که دیدم خانه پر از لوازم داخل خودرو است، او سارق بود از دستش فرار کردم. همان شب برادرم پیش من آمد، ادعا کرد که مال زیرخاک پیدا کرده و با هم برویم آن را بیاوریم. با اصرارش همراه او رفتم، وقتی به خودرو رسیدیم، ابتدا فکر کردم خودروی خودش است در داخل خودرو پر از طلا و دلار بود که فهمیدم آنها را سرقت کرده است. دو روز بعد، همان دوست قدیمی سراغم آمد و گفت می‌دانم که با برادرت به سرقت رفته‌ای و می‌خواهم این موضوع را به همسرت بگویم، برای این که همسر من نفهمد، مجبور شدم با او هم به دزدی خودرو بروم. این شد که از من یک دزد ساخته شد. ابتدا ناخواسته سرقت را شروع کردم اما بعد سرقت برایم هیجان داشت و به همین خاطر از این کار خوشم آمد و ادامه دادم.

## چه هیجانی داشت؟

موقعی که داخل خودرو می‌نشستی، استارت می‌زدی



و ماشین روشن می‌شد، آدرنالین خونت به بالاترین حدش می‌رسید و این هیجان برای من بسیار خوب و با ارزش بود. وقتی سرقت می‌کردم، حال خوبی داشتم.

## چطور سرقت می‌کردید؟

اگر خودروی پرشیا و پراید یا سمند بود، ماشین را صدا می‌کردی، خودش همراهت می‌آمد. کافی بود برای سرقت اراده کنی، خیلی راحت ماشین استارت می‌خورد و آن را سرقت می‌کردیم.

## همدست هم داشتی؟

بیشتر سعی می‌کردم به تنهایی سرقت کنم اما بعد از مدتی یکی از دوستانم آمد و گفت با ماشین مدل بالای برادرش تصادف کرده و نمی‌داند چه کند. به او پیشنهاد دادم مشابه آن را سرقت کنیم. برای اولین بار از طریق از کار انداختن کامپیوتر، خودروی مدل بالای هایلوکس سرقت کردیم. بعد هم از طریق دوستان صافکار و نقاشم، ارکان خودروی تصادفی را روی این خودرو سوار کردیم.

## بعد چه شد؟

بعد از مدتی دیدیم که کار خوبی است و به همین خاطر همراه همدستانم شروع به سرقت خودرو و جابه‌جایی اسنادش با خودروهای تصادفی کردیم. هر خودرویی که می‌توانستیم سرقت می‌کردیم و هر خودرویی که امکان روشن کردنش وجود نداشت با جرثقیل می‌بردیم. روی جرثقیل هم شماره موبایل و شرکت جعلی را ثبت کرده بودیم تا اگر دوربین‌ها هنگام سرقت ما را دیدند، نتوانند هویت اصلی ما را پیدا کنند.

## چند سرقت انجام دادید؟

با آخرین مورد که سرقت لوازم داخل خودروی پژو ۴۰۵ بود، فکر می‌کنم ۲۴ فقره دزدی انجام دادیم.

## بیشتر در چه مناطقی سرقت می‌کردید؟

منطقه مهم نبود، هر جا خودرویی می‌دیدیم که خوب است یا مشابه تصادفی‌اش را داریم آن را سرقت می‌کردیم. فقط برای فروش خودرو این کار را نمی‌کردیم، گاهی لوازم داخل خودرو با ارزش بود و به همین خاطر خودرو را سرقت و بعد از سرقت لوازم داخلش، چند خیابان آن طرف‌تر آن را رها می‌کردیم.

## از چه زمانی شروع به این روش کردید؟

از دو سال قبل این کار را انجام می‌دادیم تا این که دو ماه قبل

## بیشتر چه خودروهایی سرقت می‌کنی؟

من عاشق سواری گرفتن از ماشین بودم، ماشین را سرقت می‌کردم تا چند روزی با آن در شهر بچرخم و بعد هم در کنار خیابان رهاش می‌کردم. فقط خودروهای لوکس مانند لندرکروز، پرادو، هایلوکس، سوناتا و آژرا را سرقت می‌کردم. سه روزی از این خودروها سواری می‌گرفتم تا هیجان داشته باشم، بعد هم در کنار خیابان رها می‌کردم.

بعد از سرقت پژو از سوی پلیس شناسایی و دستگیر شدیم.

## خریداران خودروها به شما شک نکردند؟

چرا کسی شک کند، ما کارمان را به بهترین شکل انجام داده بودیم و حتی در زمان نقل و انتقال خودرو نیز پلیس متوجه این موضوع نشده بود.

## چقدر طول می‌کشید تا خودرو را سرقت کنی؟

پرشیا را بین شش تا هشت ثانیه و مزدا ۳ را نهایتاً ۱۴ ثانیه، البته سوناتا یا لندرکروز را در کمتر از یک دقیقه سرقت می‌کردم.

## سیستم‌های پیشگیری از سرقت چقدر در کار شما تأخیر ایجاد می‌کرد؟

قفل فرمان هم در حد ۱۰ ثانیه، از نظر من دزدگیر هم فقط صدای الکی است. فقط یک مدل از دزدگیر هست که وقتی صدا می‌دهد در حد یک دقیقه طول می‌کشد تا آن را پیدا کنیم و با سیم چین قطعش کنیم و گرنه هیچ کدام از اینها اگر دزد حرفه‌ای باشد، نمی‌تواند جلوی سرقت را بگیرد یا در کار دزد خللی ایجاد کند.

## اگر خودت خودرو داشته باشی، چه کاری انجام می‌دهی که سرقت نشود؟

اولین کاری که می‌کنم، سوئیچ مخفی قرار می‌دهم. بعد هم قفل زنجیر فرمان به صندلی می‌گذارم. قفل فرمان یا پدال فایده ندارند اما قفل زنجیر خیلی در جلوگیری از سرقت مؤثر هست.

## هر خودروی سرقتی را بعد از تغییر ارکان چقدر می‌فروختید؟

به قیمت روز فروخته می‌شد و هر کدام درصدمان را برمی‌داشتیم. شش نفر بودیم که هرکس براساس کاری که انجام می‌داد و از قبل توافق کرده بودیم، درصدش را برمی‌داشت. من از هر خودرو ۱۵ درصد می‌گرفتم.

## به صاحبان این خودروها فکر نمی‌کردی؟

من ماشین مدل پایین سرقت نمی‌کردم. لندرکروز، ویتارا و هایلوکس سرقت می‌کردم. کسی که این خودروها را سوار می‌شود، پولدار است و برایش سرقت این خودرو مهم نبود. من خودرو زیر ۳۰۰ میلیون تومان سرقت نکردم. البته کسی که پراید دارد، معلوم است که از قشر ضعیف است، چرا باید از این فرد سرقت کنیم تا تمام دارایی‌اش یک شبه از بین برود؟

## اما شما در میان سرقت‌های تان وانت پیکان هم وجود دارید؟

آن را همدستانم انجام دادند. گفتم که من خودروی زیر ۳۰۰ میلیون تومانی سرقت نکردم. فقط سراغ بچه پولدارها می‌رفتم.

## لقبت چه بود؟

دوستانم به من رابین هود می‌گفتند. چون من یک ریال از پول‌های سرقتی را به خانه نمی‌بردیم و همه را خرج رفقا و دوستانم کردم. حتی برای آنها سرقت انجام می‌دادم به همین دلیل به رابین هود معروف بودم.

## اما شبیه رابین هود عمل نمی‌کردی؟

رابین هود برای فقرا سرقت می‌کرد و من برای دوستانم.